

کمترین حق نابغه فوتبال

فرخ حسایی

خبرنگار

گواردیولا در اولین سخنرانی اش به عنوان سرمربی منچستر سیتی در سال ۲۰۱۶ برای بازیکنان، چند کلیپ را آماده کرده بود. این تصاویر مربوط به آنالیز نقاط ضعف تیم‌های حریف نبود. او با چند فیلم کوتاه، اهمیت به هم بودن و اتحاد را به بازیکنانش یادآوری کرد. برای او جای سؤال بود که چرا در آخرین

بازی فصل ۱۶-۲۰۱۵ که مانوئل پیگربینی مربی تیم بود و سیتی در روز آخر سهمیه لیگ قهرمانان اروپا را کسب کرد، هیچکدام از بازیکنان به جز کوین دبروینه از این اتفاق ابراز خوشحالی نکردند. برای او اتحاد، راز موفقیت بود و با همین فرمول، همه جام‌ها و افتخارات ممکن را در هفت سال به ورزشگاه «اتحاد» سرازیر کرد. ثروتمند بودن منچستر سیتی البته می‌تواند عاملی برای موفقیت‌های این تیم باشد اما دیگر تیم‌های

بزرگ انگلیسی و اروپایی مثل پاری سن ژرمن، بارسا، رئال و... نیز خیلی کمتر از سیتی هزینه نکرده‌اند. از سال ۲۰۱۶ که پپ به سیتی آمده درآمدزایی این باشگاه نیز رشد چشمگیری داشته و کسب جام‌های مختلف، سیتی را به ارزشمندترین باشگاه اروپا تبدیل کرده است. هزینه خالص سیتی در این سال‌ها (هزینه خرید بازیکنان منهای درآمد فروش بازیکنان) ۴۸۷ میلیون پوند بوده در حالی که همین هزینه

در مورد منچستر یونایتد ۸۳۵ میلیون پوند بوده و سیتی از این نظر از زمان حضور پپ در رتبه دهم از نظر هزینه‌ها بین تیم‌های انگلیسی قرار دارد. نبوغ گواردیولا، فلسفه فوتبال او و تداومی که در موفقیت هایش داشته، باعث می‌شود او شایسته‌ترین فرد برای کسب همه این جام‌ها باشد. در واقع فوتبال دین خود را به گواردیولا نیز ادا کرد، همان اتفاقی که در مورد لیونل مسی و جام جهانی رخ داد.



آیا منچستر سیتی واقعاً اصالت ندارد؟

رسول مجیدی

روزنامه‌نگار ورزشی

«اصالت». این چیزی است که تیم سیتی متهم به نداشتن است. سال‌هاست که در این باره صحبت می‌شود. اینکه سیتی و پاریس اصالت ندارند و نباید قهرمان اروپا شوند. اما اصلاً معنی اصالت چیست؟ در فرهنگ دهخدا در این باره نوشته شده: «نجابت و شرافت» کلمات وقار، جوانمردی و نجیب بودن از جمله کلمات هم معنی اصالت هستند. اما آیا سیتی این سال‌ها خالی از چنین صفت‌هایی است. آیا فقط منچستر سیتی است که در بازار ولخرجی می‌کند؟

بعضی‌ها اصالت را مترادف قدیمی بودن می‌دانند. اینکه تیمی تازه به دوران رسیده باشد اصالت ندارد و آنهایی که از قدیم پول خرج کرده‌اند و قهرمان شده‌اند اصیل هستند. اما آیا می‌دانید اولین قهرمانی اروپایی منچستر سیتی زودتر از لیورپول و چلسی و آرسنال به دست آمده. در انگلیس فقط سه باشگاه زودتر از سیتی در جام‌های اروپایی قهرمان شده‌اند: منچستریونایتد، تاتنهام و وست‌هم.

آبی‌های منچستر در فصل ۱۹۷۰-۱۹۶۹ به قهرمانی جام برندگان جام اروپا رسیدند. جامی که در واقع جام سطح ۲ یوفا بود و در حکم لیگ اروپای فعلی است.

سیتی که در سال ۱۹۰۳ میلادی برای اولین بار قهرمان لیگ سطح اول فوتبال انگلیس شد، در ابتدای قرن تازه وضعیت خوبی نداشت، حتی به سطح دو سقوط کرد ولی از وقتی که مالکان اماراتی در سال ۲۰۰۸ آمدند

همه چیز تغییر کرد. همه ماجرا را می‌دانند.

در این ۱۰ سال البته باشگاه‌های دیگری بوده‌اند که از مواهب پول‌های نفتی عربی و روسی برخوردار بوده‌اند. اما کدامیک این ثبات سیتی در سال‌های گذشته را داشته‌اند. کدامیک موفق شده‌اند

رقابتی‌ترین لیگ داخلی دنیا (لیگ برتر) را تک قطبی کنند. کدامیک این همه تنوع تاکتیکی داخل زمین داشته‌اند. آیا هر کسی در فوتبال و خارج از فوتبال پول داشته باشد می‌تواند بیزنس موفق داشته باشد؟ پول زیاد قطعاً تبدیل به دستاورد

می‌شود؟ پس این همه رستوران و شرکت پولدار که ورشکسته شده و از بازار خارج می‌شوند از کجا آمده‌اند. پس چرا پاری سن ژرمن این راه را نرفت؟ چرا چلسی که شرایط مشابه با مالکین عرب داشت، علی‌رغم موفقیت اولیه در دام تغییر مربی فراوان و نتایج سینوسی قرار گرفت؟

اگر راه سیتی، آرامش آنها، انتخاب درست شان، وفاداری شان به انتخاب شان «اصالت» نیست، پس چه نام دارد؟ دنیا تغییر کرده. بازارهای مالی در تمامی دنیا عوض شده‌اند. حالا صاحبان استارت‌آپ، بیلینون می‌شوند. چند دهه پیش صاحبان صنایع

کامپیوتری، قبلاًتجار و فعالان نفتی. هر دوره قهرمان‌ها و بیلینون‌های خودش را دارد. سیتی هم محصول این دوران است و قطعاً بچه‌های این نسل حق دارند طرفدارش باشند. دوده بعد آنها هستند که اصالت را برای کوچکترهای خود معنا می‌کنند.



تیمی که می‌خواست خودش باشد

آیسان سعیدی

روزنامه‌نگار ورزشی

برای اثبات راه طولانی در پیش است. اینکه از صفر خود را به صد برسانی و به همه ثابت کنی که وجود داری و هستی. اینکه بگویی آهای من اینجا هستم، من را ببینید. این مسیر با یک روز و دو روز و یک اتفاق میسر نمی‌شود. برای رسیدن به نقطه موجودیت باید رنج کشید و صبور بود. باید مرارت داشت و شکیبایی پیشه کرد و البته با تمام وجود کار کرد. یک اتفاق تنها محصول یک جرقه است. آتش همیشه از جرقه شروع می‌شود اما جرقه ابتدای راه است و برای آتش زدن باید همه چیز فراهم باشد. اینکه گرما به اندازه‌ای برسد که آتش ناگهان شعله بکشد و لهیب بالا رود.

رسیدن به نقطه ثابت و اثبات موجودیت یک پروسه طولانی است. مسیری که سیتی تا به امروز رفته و حالا به قله جهان رسیده، مصداق عینی این گزاره است. آنها سالیان

سال زیر سایه یونایتد قرار داشتند و کسی آنها را نمی‌دید. نام شهر منچستر با شیاطین قرمز رنگ مترادف شده بود و حتی طرفداران گذری و غیر حرفه‌ای فوتبال شاید نمی‌دانستند که منچستر تیم دومی هم به‌نام سیتی دارد! سیتی برای گذر از نام یونایتد و رسیدن به موجودیت مسیری طولانی طی کرد. مسیری که از بریز و پباش دلارهای نفتی شیوخ قطر آغاز شد و در نهایت با رنج، مرارت و شکیبایی به قله اروپا رسید. ستاره‌ها آمدند و رفتند و هر کدام در این مسیر نقش خود را ایفا کردند! آنها که بازیگران این نمایش باشکوه بودند تا سیتی اوج بگیرد و شناخته شود. هر ستاره‌ای اثر خود را گذاشت و کارگردان این نمایش زیبا پپ بود. او که چند سالی تلاش کرد و کوشید تا انتهای داستان یک هیی‌اند باشد و دست آخر به آن رسید.

قهرمانی امروز سیتی مرهون یک تغییر موقعیت و یک تغییر فلسفه است. فلسفه‌ای به‌نام بودن و شدن. تیمی که می‌خواست خودش باشد؛ یک قهرمان و یک باشگاه واقعی.



به سلامتی یک عشق عجیب و قدیمی

کاوه علی اسماعیلی
روزنامه‌نگار ورزشی

این مطلب، کاملاً شخصی است؛ اگر حوصله‌اش را ندارید، همین جا مطلب را بگذارید و بگذرید چون قرار است در مورد منچستر سیتی بنویسم. تیمی که از حدود دو دهه قبل، هنگامی که هنوز در چمپیونشیپ حضور داشت، عاشقش شدم. یک برد ۴ بر یک مقابل لیورپول در جام اتحادیه کافی بود تا همان سال‌ها عاشقش شوم. نه اینکه دشمن لیورپول باشم اما از تیم‌های بی‌نامی که بزرگان را «بد جور» شکست می‌دادند، خوشم می‌آمد. از همان موقع و بعد از بارسلونا در اسپانیا، تیم محبوبم در انگلیس را پیدا کردم: «منچستر سیتی». هر کجا بحث فوتبال می‌شد، همه از منچستریونایتد و آرسنال با آن دو مربی دوست‌داشتنی شان می‌گفتند اما برای من، سیتی چیز دیگری بود. یک عشق عجیب که یک رده پایین‌تر بازی می‌کرد، دو، سه فصل یک‌بار، دکمه طبقه بالاتر را می‌زد، مدتی در لیگ برتر بود و دوباره سقوط می‌کرد تا اینکه یکی از خاورمیانه پیدا شد و با درایت و استفاده از شعور، سرمایه‌گذاری بزرگی را کلید زد. سیتی با شیبی نرم، به تیمی تبدیل شد که امروز بر تمام دنیا حکومت می‌کند. قصه قهرمانی این تیم در لیگ برتر، یک کمده عالی بود. آرسنال تمام راه را مثل قصه خرگوش دوید، فقط چند دقیقه خواب رفت تا سیتی مثل همان لاک‌پشت محروم، از راه برسد و قهرمان شود. بعد هم جام دوم و سپس قهرمانی در اروپا. برای یکی مثل من، این اتفاقات چیزی شبیه به رویا بود. آن روزگار، صعود به لیگ برتر و عبور از سد شقیبلد یونایتد یا برایتون در چمپیونشیپ هم خوشحال‌کننده بود اما این بار، یک رویا با سرمایه‌گذاری درست و منطقی، به واقعیت تبدیل شد. وضعیت این تیم را با پاری سن ژرمن و سرمایه‌گذاری احمقانه و احساسی مدیرانش مقایسه کنید. سیتی با بهترین مربی تمام تاریخ (از نگاه نگارنده) روی سکورفت و تمام. با بالاترین میزان شایستگی، عبور از سخت‌ترین راه ممکن و البته حسرت شکست در فینال دو فصل قبل مقابل چلسی. اینها، تمام آرزوهای فوتبالی کسی بود که فوتبال را فانتزی می‌بیند؛ پس به سلامتی یک عشق عجیب و قدیمی!

